

نشریه الکترونیکی انجمن علمی طراحی پوشاک آموزشگاه دفتران الزهرا(س) مشهد



IN THE NAME OF ALLAH

سخن مدیر مسئول

حقیقت نگار وجود و عدم
نخستین سرآغاز آغازهاست

به نام خداوند لوح و قلم
خدایی که داننده رازهاست

در راستای به روز کردن و افزایش سطح علمی و پژوهشی رشته طراحی لباس در دانشگاه و در بین دانشجویان بر آن شدیم که فضایی پویا و علمی در قالب نشریه الکترونیکی مد و لباس ایجاد کنیم تا دانشجویان را بیش از پیش علاقمند به تحقیق و خواندن در این رشته بنماییم و مرزهای دانش طراحی لباس را در بین دانشجویان اندکی افزایش دهیم. امید است این نشریه قدمی هر چند کوچک در راستای افزایش میل به تحقیق در دانشگاه باشد. با تمام وجود پذیرای تحقیقات، مقالات و پایان نامه ها و نظرات شما در راستای نیل به این هدف هستیم.



که تن پروران از هنر لاغرند
(بوستان سعدی)

خردمند مردم هنر پرورند

مدیر مسئول نشریه : نوریه حشمت

صاحب امتیاز:

انجمن علمی طراحی پوشاک فنی و حرفه ای الزهرا(س)مشهد

استاد مشاور:

سرکار خانم مهندس سلماز آخوندی

سردبیر: مهلا عزیز یزدی

مدیر مسئول: نوریه حشمت

گرافیک و صفحه آرایی: مهلا عزیز یزدی

ویراستار: نوریه حشمت ، راضیه شافعی

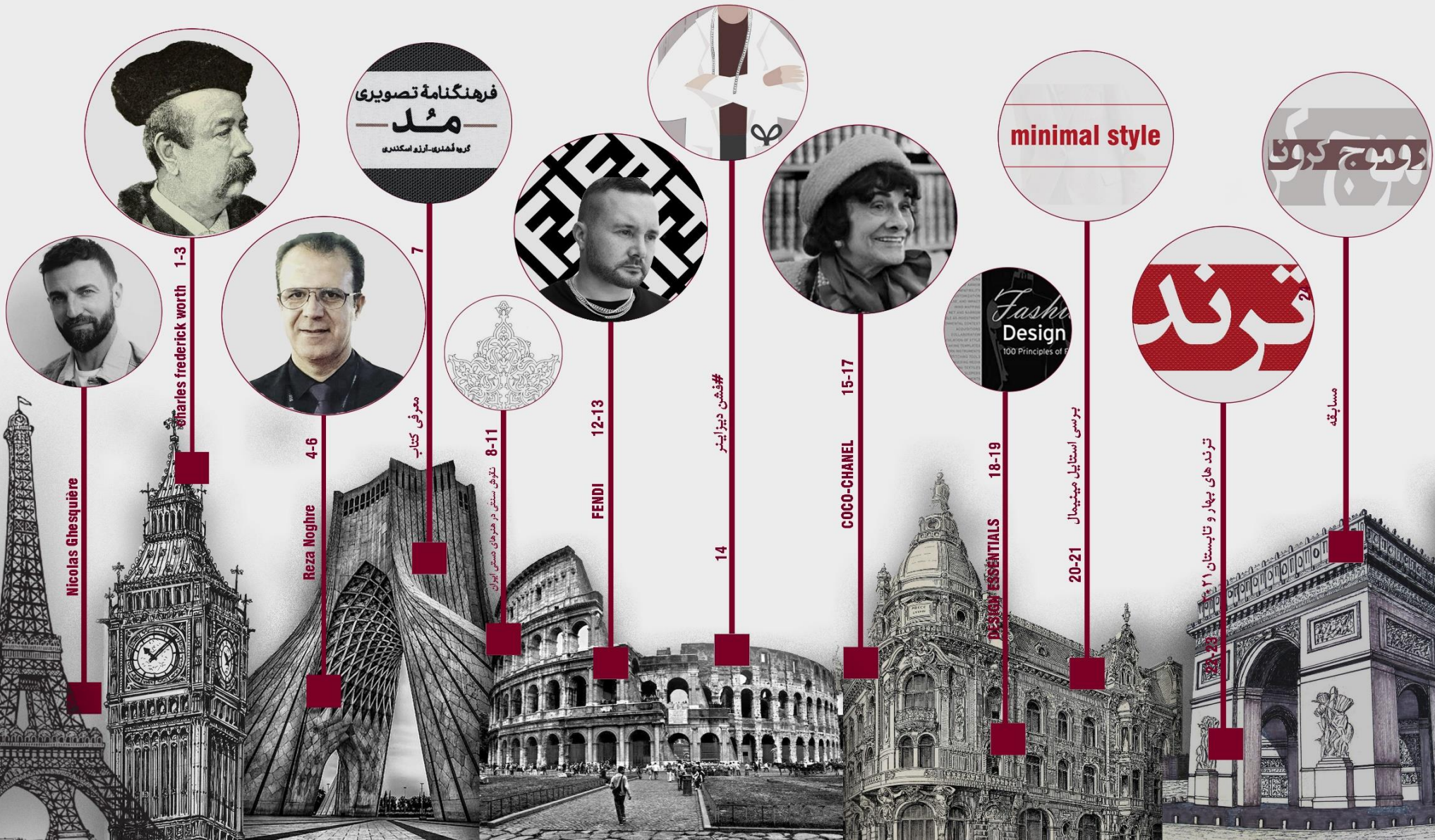
هیئت تحریریه:

مریم توسلیان ، فائزه جعفری ، رویا ارجمند ، نرجس رضائیان ، فاطمه کرمانی ، راضیه شافعی ، وحیده شافعی ، مهلا عزیز یزدی ، نوریه حشمت ، نیلوفر ماکی ، صغری ابراهیمی ، فاطمه مرادیان

تاریخ انتشار: زمستان ۱۳۹۹
شماره: اول



فهرست مطالب:





Nicolas Ghesquière

بیشترین چیزی که در مد مرا به وجد می آورد، این است که باید زمان حال را بازتاب کند؛ و می توانیم شاهد دیدن همین لحظه ای باشیم که در آن زندگی می کنیم.



مهلا عزیزی

تاریخچه مد

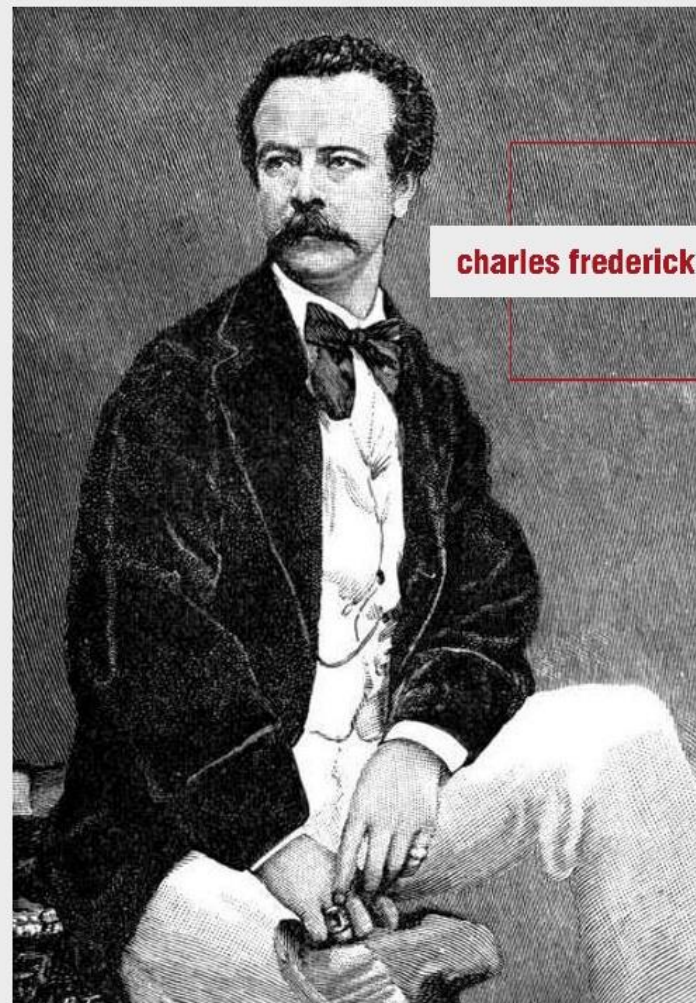
اگر به تاریخ مد نگاه جامع تری داشته باشیم، می بینیم که مد و فشن دائماً در حال تغییر بوده است و به طور کلی از وقایع تاریخی و فرهنگی هر زمانه تأثیر پذیرفته است. با مطالعه تاریخچه مد و مستندات تاریخی می توانیم نحوه تکامل پوشش و همچنین افراد تأثیر گذار بر آن را بررسی کنیم. در این شماره از نشریه به یکی از تأثیرگذارترین افراد در دنیای مد و همچنین اولین طراح لباس که پدر اوت کوتور نیز به شمار می روند می پردازیم.

“Charles fredrick worth”

حدود ۲۰۰ سال پیش در سال ۱۸۲۵ چارلز فردریک ورث در لینکلن شایر انگلستان به دنیا آمد و کوچکترین عضو یک خانواده هفت نفره شد، پدر چارلز وکیل بود البته تا قبل از اینکه دارایی خود را برای مصرف الکل از دست بدهد و مجبور به ترک خانه شود. وضعیت دشوار زندگی چارلز رادر سن ۱۱ سالگی، مجبور به ترک تحصیل کرد و در کار چاپ به مدت یکسال مشغول به کار شد. در سال ۱۸۳۸-۱۸۳۷ دفتر دار شرکت کالاهای ادگار لندن شد و شروع به کار کرد. این دپارتمان مجموعه هایی از پارچه برای خانمها تهیه میکرد که توسط خیاط مخصوص دوخته می شد. اما ورث در این دپارتمان هم ماندگار نبود. او تلاش کرد و در کنار بازرگانهای ابریشم مشغول به کار شد. محیط کارش باعث می شد که او پیچیدگی های کار در زمینه مد و فشن را ببیند و درک کند. ورث، وقت هایی که مشغول به کار نبود به گالری های هنری می رفت و اوقات فراغتش را به مطالعه و تحقیق در مورد لباس و پوشاک دوره های قبل می پرداخت. وقتی ۲۰ ساله شد، یکی از تصمیمات مهم زندگی خود را گرفت و آن این بود که به پاریس برود، شهری که برای تمام طراحان لباس یک رویاست و شهری که در نهایت موجب موفقیت او شد. با وجود بی پولی و عدم تسلط به زبان فرانسوی تمام سختی ها را تحمل کرد تا شغل مناسب خود را بیابد. سرانجام او توانست در شرکت تولید پارچه های لوکس ((گجلین)) دستیار فروش شود. گجلین شرکت معتبری بود که علاوه بر تولید پارچه های لوکس، مانتو و پوشاک آماده هم تولید می کرد. از دیگر کارها و ابداعات ورث رواج دادن مدلینگ در صنعت مد بود. او خانم های جوان را استخدام کرد و از مدل ها برای نمایش لباس، شال و اکسسوار استفاده کرد. در همان زمان بود که ورث علاقمند به ماری ورنه، یکی از مدل هایی که استخدام کرده بود، شد و در نهایت در سال ۱۸۵۳ با او ازدواج کرد ورث به سبب تجربیات کودکی خود، خانواده ای صمیمی را تشکیل داد و به همسرش بسیار عشق می ورزید و به تعبیری همسرش همچون لیلی او بود. آنها صاحب دو فرزند پسر با نام های گستون و ژان فلیپ شدند.



علاوه بر اینکه ماری و ورث همکار بودند نیز از کنار هم کار کردن لذت می بردند. ماری برای ورث همچون منبع الهام او و مدل و همچنین مشاور او بود. ورث که علاقمند بود همسرش همیشه خوب بنظر برسد، برای او لباس های متفاوتی را طراحی می کرد تا موقع کار در فروشگاه ببوشد و مشتری های ورث هم با دیدن آن لباسها، به طراحی های او علاقه مند شدند و خواستار لباس های طراحی شده توسط ورث شدند به همین سبب ورث پیشنهاد یک بخش جدید را به گجلین داد که نیروی جدید استخدام کند تا لباس های طراحی شده ی او را اجرا کنند. او که در ابتدا با مخالفت رئیسش مواجه شد از تلاش دست نکشید و بدین گونه موفقیت خود را رقم زد. تا قبل از اینکه دپارتمان طراحی ورث در گجلین مقبول واقع شود، این خود افراد بودند که براساس طبقه اجتماعی خود تصمیم میگرفتند چه بپوشند اما بعد از شکل گیری دپارتمان این ورث بود که به خانم ها میگفت چه چیزی برازنده آنانست. مد و ترند را ایجاد میکرد و به عنوان **Test maker** معروف شد. او زمانی که استقبال زیاد افراد، از طرح های خود را دید، تصمیم گرفت کار مستقل خود را شروع کند. در ابتدا به گجلین پیشنهاد شراکت داد اما زمانی که پیشنهاد او با استقبال مواجه نشد ورث با گوستا بوبرگ شریک سوئدی خودش، مزون و خانه مد ورث و بو برگ را در سال ۱۸۵۸ در پاریس تاسیس کرد و بدین گونه اولین خانه مد پاریسی متولد شد. ورث و بوبرگ قرار داد ۱۲ ساله باهم بسته بودند، ورث مدیر خلاق و بوبرگ مسئول نظارت بر تولید بود اما آنها در سال ۱۸۷۰ از هم جدا شدند و بالاخره خانه مد ورث تاسیس شد. این خانه مد ۱۲۰۰ نفر را مشغول به کار کرد. ورث نخستین کسی بود که پارچه های خود را خود تهیه و خلق می کرد و به تبعیت از او بود که دیگر طراحان و هنرمندان لباس های خود را با الصاق برچسب امضاء می کردند.



charles frederick worth



این ورث بود که برای نخستین بار تلاش کرد طراحان لباس مانند دیگر هنرمندان، هنرمند شناخته شوند. چارلز خود را هنرمند می دانست نه خیاط و دوزنده لباس، معتقد بود خانم هایی که به او مراجعه می کنند مجذوب "ایده" او میشوند ورث قوانینی داشت که می توانست مشتریانش را قانع کند که چه بپوشند، برای او فرقی نداشت که مشتریانش شاهزاده خانم باشند یا دختر یک صنعت گر ثروتمند. ورث بعد از یکسال شروع کرد به طراحی لباس برای معروف ترین زنان اروپا، طرح ها و اسکچ های او مورد تحسین ملکه قرار گرفت و بدین گونه که ملکه مشتری خانه مد ورث شد و اعتبار او افزایش پیدا کرد.

از ابداعات ورث می توان به:

- ۱- روش و تکنیک جدید در دوخت به نام برش پرنسسی که این نام به افتخار الکساندرا پرنسسی ولز گرفته شد.
- ۲- "کرینولین" که زیردامنی قفسی شکلی بود از جنس استیل جای خود را به باسل داد، با این تفاوت که باسل در پشت دامن برجسته و در جلوصاف بود.
- ۳- ورث انواع مختلف نورهای مصنوعی را در نمایشگاه لباس هایش نصب کرد تا مشتریانش بتوانند متوجه تفاوت لباسها در زیر نور، در شب شوند.
- ۴- او برای اولین بار طراحی و مدل برای لباس های بارداری ارائه داد و به جای داشتن یک کارمند، کارگاهی ساخت که از بخش های مختلفی تشکیل میشد تا سرعت تولید را افزایش دهد و افراد بیشتری را شاغل کند.
- ۵- ورث در صنعت نساجی فرانسه هم دست برد. قبل از او بافت ساتن فقط برای روبان استفاده می شد اما بعد تبدیل به محصول جدیدی به نام پارچه ساتن شد. این ابداع کارآفرینی بزرگی بود که تا سال ۱۸۷۲ مشاغل بافندگی را دو برابر کرد.

سرانجام در سال ۱۸۹۰ ورث با ۵۰ سال سابقه تجارت در صنعت مد بازنشسته و پسرانش عهده دار مسئولیت پدر شدند و سرانجام چارلز فردریک ورث در ۱۰ مارس ۱۸۹۵ در ۶۹ سالگی درگذشت. خانه ورث بعد از فوت او به فعالیتهای ادامه داد ولی داستان پدراوت کوتور به پایان رسید.

مصاحبه با استاد نقره



نوریه حشمت

SILVER METHOD



مصاحبه با استاد رضا نقره به عنوان اولین فردی که در ایران تلاش کرده تا متد و روشی نو برای دوختن لباس به صورت مخصوص اندام بانوان آسیایی ابداع کند برای نشریه ما افتخار بزرگی بود. این مصاحبه در دو بخش تقدیم شما عزیزان می شود بخش اول شناخت بهتر این استاد برجسته و بخش دوم انتقادات ایشان به سیستم های آموزشی و صحبت های ایشان در مورد حلقه گمشده دانشگاه ها خواهد بود.

در ابتدا به ما یک بیوگرافی از خودتان و اینکه چطور وارد این حوزه شدید می دهید؟

من رضا نقره، متولد شهریور ۱۳۵۱ هستم. تحصیل من در دوران جنگ در رشته مکانیک بود که به علت شرایط آن زمان تحصیل در این رشته را ادامه ندادم و سالهای بعد در رشته ی هنر (فیلمبرداری و...) فعالیت تحصیلی من ادامه پیدا کرد. فعالیت کاری من از سال ۶۶ شروع شد، ابتدا با شلواردوزی مردانه و به صورت تجربی شروع کردم و ورود من به حوزه لباس زنانه از سال ۷۷ بود تا قبل از آن به خاطر نگاه جامعه به زنانه دوزی که آن را پایین تر از مردانه دوزی می دانستند و به فکر زنانه دوزی نبودم این در حالی است که با همه احترامی که برای رشته مردانه دوزی قائلم باید بگویم اصلاً این طور نیست، در مردانه دوزی یک کار تکرار می شود. یکی از انتقاد های من به مردانه دوزی اینست که ما کماکان با اندازه های واقعی کت نمی دوزیم و با پرو گیری لباس را سایز می کنیم در صورتی که در زنانه دوزی اصلاً اینگونه نیست و الگوسازی برای زنان بسیار پیچیده تر است. و برای من این حوزه بسیار جذاب شد زیرا که من را به چالش می کشید و من انسان چالش ها هستم. در آن زمان من متوجه شدم که رشته زنانه دوزی بسیار عمیق است در حدی که انتهایی ندارد ولی در مردانه دوزی حداقل در سطح ایران اصلاً این گستردگی و عمق وجود ندارد. اما زمانی که وارد حوزه زنانه دوزی شدم مواردی مرا مجاب کرد که ابداع کننده یک متد باشم از جمله اینکه: فضا سازی الگو در متد های قدیمی تر (گرلاوین و بعد از آن متریک و مولر) متناسب با آناتومی آسیایی ها نبود اما این به هیچ عنوان ضعف متد محسوب نمی شد بلکه این متدها برای آناتومی اروپایی ها بود و فضا سازی آنان برای اندام ایرانی کم بود. مسئله بعدی که باعث شد به عنوان طراح یک متد وارد کار بشوم این بود که من پیش زمینه قوی از زنانه دوزی نداشتم و با دو سه ماه کار تجربی و فراگیری نکات ساده وارد کار شدم و حالا دو راه داشتم یا بابت هر مشکلی باید از اساتید می پرسیدم یا خود مشکلم را حل می کردم و من گزینه دو را انتخاب کردم طبیعتاً ابتدا شروع کردم به تجربه کردن. در الگو ها ما یک سری فرمول داریم اما این فرمولها ۲۰ درصد کار است و ۸۰ درصد مابقی مربوط به هنر است لازم به ذکر است به دست آوردن یک سری فرمولها برایم حدود ۱۰ سال طول کشید و بعد از آن شروع کردم به شکل دادن و فرم دادن و اصلاح الگو اما هنوز کلاسی برگزار نکرده بودم و به نظرم این علم در آن زمان برای برگزاری کلاس کافی نبود اما بعد ها کلاسی برگزار کردم و اولین گروهی که به من مراجعه کردند خود به نوعی استاد این رشته بودند و آمده بودند که ثابت کنند که من اشتباه می کنم اما همه آنان تا پایان دوره ماندند.

- اگر بخواهید بگویید متد سیلور نزدیک به کدام متد اروپایی است (در مقایسه) چه خواهید گفت؟

من هرگز وارد این داستان نشدم که بقیه متد ها را مطالعه کنم که دلیل آن این بود که زمانی که ما یک متدی را به عنوان اصل بپذیریم دیگر جسارت تغییر دادنش را نداریم صرفاً به این خاطر که جسارت انجام هر تغییری را داشته باشیم اصلاً به خودم اجازه ندادم که وارد متدهای دیگر بشوم ولی شاگردهای من در کلاس اغلب به من می گویند که متد من به متریک نزدیک تر است.

- کمی در مورد کتابی که تألیف کردید برای ما توضیح دهید و اینکه آیا خرید کتاب برای یادگیری این متد کافیهست ؟

در ابتدا باید بگویم علت شکل گیری این کتاب این بود که اولاً متأسفانه ما در قوانین ثبتی کشورمان چیزی به نام ثبت محتوا به شکل (یک متد) نداریم و من با تلاش فراوان در نهایت توانستم این متد را به صورت یک اثر ادبی -هنری ثبت کنم که این قبل از تألیف کتاب بود. من دوست داشتم این مجموعه را در قالب کتابی که رسمیت دارد (کد کتابخانه ملی، تاریخ چاپ و...) معرفی کنم که برای متد من یک سند باشد. دوم اینکه زمانی که میخواستم مجموعه را ثبت اثر ادبی - هنری کنم باید چیزی برای عرضه میداشتم تا کسی بر متد من ادعایی نکند. هرچند که هرگز کسی نمی تواند این کار را انجام دهد زیرا هر فرمولی در این متد ظاهری دارد و باطن و علتی که علت آن را فقط خودم می دانم. در عین حال از آنجایی که در کشور ما قوانین ثبتی ضعیف است با خود گفتم خود را وارد این چالش نکنم و این کتاب را تألیف کردم. اما در مورد کتاب باید بگویم که اساساً هدف من این بود که اساس های متد سیلور را در کتابی جمع آوری کنم در مورد اینکه چرا کتاب را شاخ و برگ زیادی ندادم باید بگویم ابتدا قصد داشتم کتاب را بسیار مفصل بنویسم، اما زمانی که دیدم نوشتن همین صد صفحه دو سال از زمان مرا گرفت فهمیدم کتابهایی که به این شکل محتوایی هستند جزء سخت ترین کتب دنیا هستند. اما اینگونه کتب باید به فعل تبدیل شوند خیلی ها از من میپرسند کتاب شما را بگیریم آیا دیگر لازم نیست برای آموزش آن به کلاس مراجعه کنیم و من به آنان پاسخ میدهم آیا شما زمانی که کتاب های مدرسه را برای کودکان می گیرید دیگر آنان را به مدرسه نمی فرستید؟ کلاسها محتوای کتاب را باز می کنند. حجم فایل کلاسهای من که توسط یکی از شاگردانم ضبط شده بود نزدیک ۳۱۱ گیگابایت شده بود ما در چه کتابی می توانیم این حجم از اطلاعات را بگنجانیم؟ تازه این کاملاً تصویری است و آدمی با تمام حواسش (گوش، چشم و...) می آموزد. کتابها تنها یک چهارچوب مشخص است که دست آدمی در آن آنقدر باز نیست که بتواند این چهارچوب ها را بشکند.



- بحثی همیشه بین الگوسازان هست که کدام متد بهتر است و کدام متد بد است نظر شما در این باره چیست آیا این تقسیم بندی صحیح است؟

اگر یک نفر یک علمی را به طور کلی نقض می کند یعنی چیزی از آن علم نمی داند همانطور که بسیاری با همان متد که گفته می شود بد است کارهایی فوق العاده انجام می دهند. در واقع، علوم مکمل هم هستند. من می گویم متد سیلور مستقل از متدهای دیگر است اما این استقلال به این معنا نیست که شباهت ندارد. پس تفاوت در چیست؟

۱- تفاوت در فلسفه ای است که پشت شخص طراح این متد بوده که این متد بدست آمده است.

۲- تحقیقاتی که به صورت تجربی و آکادمیک روی این متد انجام شده. اگر من از متد سیلور دفاع می کنم منظورم اینست که تمام متدها خیلی عالی است اما دفاع من از سیلور به این معناست که اگر آن متدها برای اندام اروپایی ها طراحی شده مناسب اندام آسیاییها نیست. اما در درمورد این سوال نظر قطعی را من نباید بدهم این نظر را کسی باید بدهد که به طور حرفه ای همه این متدها را تجربه کرده است یا کسی تحقیق جامعی کند و بازخوردهای متدهای مختلف را از افراد مختلف بگیرد و آمار کند تا بر اساس این آمار به نتیجه برسد که کدام خروجی بهتری دارد. من همیشه می گویم خروجی کلاسهای من افرادی هستند که جسارت این را دارند که خیاطی بزنند اما این را به صورت حقوقی می گویم و قصد بی احترامی به سیستم آموزشی یا دانشگاهی را ندارم اما متأسفانه خروجی دانشگاه این جسارت را به شخص نمی دهد و علت دیگر این حرف من در مورد آموزش اینست که من همه چیز را کاملاً عملی به هنرجو می آموزم که در مورد بقیه آموزش ها متأسفانه اینگونه نیست.

- این توقع که افرادی که دارند خیاطی می کنند انتظار دارند لباس ها بعد از کشیدن یک الگوی دقیق بدون پرو به نتیجه درست برسند درست است؟

به هیچ عنوان! از نظر من هر خیاطی که این دو عبارت را زیاد استفاده کند از کم سواد اوست: ۱- خیاطی بدون الگو ۲- خیاطی بدون پرو. اساساً الگو یعنی شکل مسطح شده حجم بدن پس کار کردن با آن بسیار راحت تر است و همچنین مدل‌های بیشتری می توان با اجرا کرد. اما بدتر از خیاطی بدون الگو خیاطی بدون پرو است و از نظر من هر کس این را بگوید بی سواد است زیرا این فرد چیزی از اندام شناسی نمی داند. من سایز ۴۰ را می توانم صد مدل که حداقل ده مدلتش تفاوت های اساسی داشته باشد در بیاورم. اگر بخواهم یک مثال بزنم که ماجرا واضح تر شود ببینید یک خانم و آقا که دقیقاً دور کمر و باسنشان به یک اندازه است زمانی که شلوار هم را می پوشند چقدر مضحک می شوند زیرا فرم باسن خانم و آقا متفاوت است. البته دو تا خانم با هم ممکن است این تفاوت ها را داشته باشند ۳ نفر در یک سایز ممکن است ۳ تیپ اندامی متفاوت باشند مگر ما می توانیم یک فرمول داشته باشیم. اگر ما بحث اندام شناسی را قوی تر کنیم و اگر بحث الگو و محتوای فرمول ها را برای خودمان قوی تر کنیم که بدانیم کجا تغییر ایجاد کنیم و تجربه کافی عملی داشته باشیم ممکن است اینجا کارمان به کم پرو یا در حد بدون پرو برسد اما نمی توانیم فرمولی را بدست بیاوریم که بدون پرو باشد؛ زیرا فرمول یکیست ولی اندام ها متفاوت است.

• ادامه این مصاحبه جذاب حول محور نقایص سیستم آموزشی به زودی در شماره بعدی نشریه



فائزة جعفری

معرفی کتاب

این کتاب بدون شک یکی از بهترین و کاملترین منابع در حوزه مد است که تیم مولفان تمامی نکات لازم برای آگاهی و رشد دانش مخاطبان را در آن جمع آوری کرده اند. نکته قابل توجه، طراحی و گرافیک جذاب و با جزئیات این کتاب است. اینکه یک کتاب بتواند در کمترین زمان ممکن انواع و اقسام پوشاک زن و مرد و ملحقات آن را با تصویر توضیح دهد و به خوبی به جزئیات بپردازد، خیلی جذاب و مهم است آن هم لباس ها یا تزئیناتی که نه تنها در زمان حال بلکه در گذشته نیز رایج بوده و گاهی یادآور یک سکانس سینمایی و یا حتی تاریخی است؛ در صورتی که کاملاً امروزی و مدرن هم هست. آشنایی با انواع کلاه ها یا سبک خاص کفش ها یا کیف ها و یا فرم عینک ها و حتی شکل ها و فرم متفاوت دکمه ها و طریقه بکارگیری صحیح هر کدام با هم هنریست که یک طراح لباس حتماً باید مسلط به آن باشد و همه جزئیات را بشناسد. خیلی اوقات برای رفع سوالات و دیدن سبک های متفاوت با یک سرچ معمولی به اینترنت رجوع میکنیم در صورتی که اینترنت امکان مقایسه و دیدن بسیاری از سبک های متفاوت را به انسان نمیدهد. طراحان مد همواره به دنبال منابعی برای الهام گرفتن هستند؛ از سوی دیگر آنها نیاز به ارتباط با کارگاه های تولید و خریداران دارند؛ در نتیجه می بایست از دانش فنی و اصطلاحات این حوزه استفاده کنند. این کتاب شامل تصاویر و اطلاعات بصری است؛ که زبان فرا جهانی برای طراحان سراسر دنیا می باشد. بخش هایی که در این کتاب به طور کامل به آن اشاره شده عبارت است از: ۱. تاریخچه مد و استایل ۲. انواع پوشش در جامعه ۳. جزئیات لباس ۴. اکسسوار (ملحقات پوشش) و...



نقوش سنتی در هنرهای دستی ایران



نوریه حشمت



رویا ارجمند

نقوش سنتی در هنرهای دستی ایران از مهمترین نشانه‌ها و نمادهای ذوق، روح زیبایی طلب، افکار، اعتقادات و باورهای آیینی و اسطوره‌ای جامعه ایرانی از دوره باستان تا امروز هستند؛ برخلاف آنچه اکثراً تصور می‌کنیم همه این نقوش دارای فلسفه و تاریخ و گاهی متبلور کننده گوشه‌ای از تاریخ ماست. نقش پردازی در پارچه نیز سالهاست که رواج دارد و معمولاً طرح‌هایی که جزء طرح‌های اصیل ایرانی هستند، علاوه بر اینکه در نقش برجسته‌ها، نگارگری، تذهیب، قالی بافی و... دیده می‌شود به سرعت تبدیل به طرح پارچه نیز می‌شوند. ایرانیان از گذشته تا کنون برای نقش پردازی روی پارچه از روش‌های گوناگونی استفاده می‌کردند که سوزن دوزی، انواع چاپ و... از جمله آن‌ها است. در ادامه دو نمونه از مهمترین و اصیل‌ترین نقوش سنتی ایرانی را بررسی می‌کنیم.

بته جقه:

بته جقه یکی از عناصر تزئینی متداول و کاربردی در هنرهای سنتی مانند: قالی بافی، تذهیب، پته دوزی، کنده کاری‌های روی چوب و رودوزی‌ها می‌باشد. معنای لغوی بته یک دسته برگ است، و ساده‌ترین شکل آن شباهت زیادی به برگ دنداندار دارد. جقه هم بته‌ای است ساخته از پرپرندگان که بر بالای کلاه پادشاهان قرار می‌گرفت. مردم ایران اشکال گوناگون بته را به وجود آوردند و بر روی هر یک نام بخصوصی گذاشته‌اند مانند: بته میری (کاج کوچک)، بته ترمه‌ای (کاج متوسط)، بته خرقة‌ای (کاج بزرگ)، بته بادامی (کاج بادامی شکل)، بته جقه‌ای (کاجی بزرگ که یک کاج کوچک از آن بیرون آمده)، قلمکاری، کاجی، هشت پری، کردستانی، افشاری، مادر و بچه و بته شاخ‌گوزنی و بته‌ای که از هزاره هشت قبل از میلاد تا دوره هخامنشی استفاده شده است. قدیمی‌ترین نقش بته، در تزئینات پوشش چرمی قمقمه‌هایی از قرن پنجم پیش از میلاد، از مقبره‌های سکایی در پایزیریک سیبری دیده شده است، که این تزئینات به شکل برگ‌های کنگر مانند و جدا از هم دیده می‌شوند. به گفته برخی از محققان، در دوره ساسانیان توجه مردم به درخت و تقدس سرو دیده می‌شود، اما به دلیل اختلاف طبقاتی زیاد و اوضاع سیاسی، زندگی مردم ایران در آن دوره بسیار نابسامان بود.



در این میان پیامبری اخلاقی به نام مزدک از بین مردم، برمی خیزد و تا حدودی می تواند در روند آن زمان تاثیرگذار باشد. در نهایت پادشاه و اطرافیان به علت احساس خطری که از جانب مزدک داشتند، او و بسیاری از پیروانش را از دم، تیغ می گذرانند و از همین زمان سرو به حالت خمیده رسم می شود و سمبل آزادی و جوانمردی می گردد. در این دوره مانند دوره هخامنشیان حیوانات بالدار بسیار مقدسند و به کرات از بال هایی که بر گرفته از برگها و حتی سرو خمیده می باشند استفاده شده است. با ورود اسلام به ایران، بته جقه که نقشی زیبا و جاودان است، به حیات خود ادامه داده و سیر تحولی را طی کرده است، به طوری که به عنوان نگاره ای مستقل، تا قرن دوازدهم در شرق پراکنده بوده است. از زمان خلفای عباسی این نقش، در طرح قالی مورد استفاده قرار گرفته است، و همراه نقش های قالی و شال ایرانی به هند می رود، به دلیل فراوانی این نقش بر شال کشمیری، اخیرا برخی به این نتیجه رسیده اند که این نقش تجسم گیاهی هندی است، یا نشانه شیارهای رودخانه جومنا در مسیر دره کشمیر جلگه هندوستان، و به همین دلیل گفته می شود که بته جقه از هند به ایران آمده است. اما بعضی جاها این نماد را، از ایلام و آشور و سرانجام هنر هخامنشی دانسته اند. داخل بته جقه را می توان با نقش های مختلف اسلیمی، ختایی و بته جقه های کوچکتر تزئین کرد و گاهی حاشیه آن را هم با اسلیمی یا طرح های ساده ای از خود بته جقه می آریند. در قالی ها و شال ها، بته جقه ها را بیشتر به صورت مجزا کنار هم قرار می دهند و ردیف هایی شبیه ردیف درختان سرو، به وجود می آورند. بته که نقشی تزئینی شبیه سروی خمیده است، بیشتر در صنعت قالی بافی، ترمه، رودوزی و ... به کار می رود، و جقه، بته ای است که بر بالای کلاه پادشاهان ایرانی قرار می گرفته و کوچک شده سرو سرافکنده، که نشان ایران و حکایت کننده از راستی و تواضع آن است. سیر تحول بته فرایندی بسیار طولانی است، و متعلق به قبل از اسلام. قبل از اسلام به عنوان درخت مقدس و یک مظهر رمزی، مذهبی و نشانه ای از خرمی است، و بعد از اسلام به عنوان نقش سنتی و تزئینی در هنرها به کار می رود. اساس شکل گیری نقش بته گردش پاره خطی است، که نقطه آغاز آن کمی خمیده است. این نقش از یک سر باریک و در نقطه میانی شکم دار است. بته جقه در حقیقت زیباترین تقسیم مساوی از دایره است و نمادی از چهار فصل، چهار طبع و ... است. بته را بیشتر به درخت و گیاه ربط داده اند و با عنوان هایی مثل: بته جقه ای، ترمه ای، قلمکار، کاجی، مادر و بچه، بته گوزنی، خرقة ای، بادامی، قهر و آشتی، بته افشاری شناخته می شود. در هنر ایران جقه به صورت نماد یا نقش مادر است، که بر بدنه دیگر نقوش قرار می گیرد.

نقش ترنج:

ترنج از نقش های قدیمی اسلامی و ایرانی است. ترنج معمولاً لوزی یا بادامی شکل، گاهی چهار گوش، بیضی، گرد مانند، خورشید یا ستاره یا گل های چند پر است. گاهی بر بالا و پایین ترنج، «سرترنج» اضافه می کنند که شامل دو طرح قرینه کوچکتر است. اگر طرح دو سرترنج متقارن نباشد، طرح پایین را «ته ترنج» می نامند. معمولاً در چهار گوشه طرح های ترنج دار نقشی از یک چهارم ترنج به نام «لچک» دیده می شود که در این صورت به این مجموعه «لچک ترنج» گفته می شود.

اما تاریخچه این طرح بسیار زیبا از کجاست آیا می توان آن را ایرانی در نظر گرفت؟

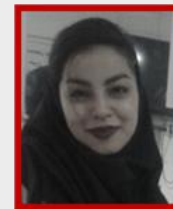
ترنج در ادامه اعتقادات اسطوره ای و نمادین گلستان و بهشت شکل گرفته؛ اما تکامل آن به شکل امروزی در اصل، انعکاس ذهنیت، اندیشه، آرزوی هنرمند مسلمان ایرانی، در تجلی باغ بهشت و فضایی روحانی است. نقش ترنج بر روی لباس برخی از پادشاهان قبل از اسلام وجود داشته اما ظاهراً ترسیم این نقش در دوره اسلامی رایج شده است. از نحوه پیدایش این نقش و شکل اولیه آن اطلاع دقیقی در دست نیست. اما شواهدی وجود دارد که ریشه و سر نخ های ترنج را به ایران باستان مربوط می کند. نشانه آریائی معروف به «سواسیتیکا» یکی از قدیمی ترین نقش مایه های باستانی است، که اثر آن در یک مسیر چندین هزار ساله در بیشتر تمدن های کهن ما بر جای مانده از ایران و چین و هند و ژاپن، تا اروپای عصر مفرغ و آمریکای سرخ پوستان نخستین، این نشانه شگرف پر اسرار، که یکی از شگفتی های تمدن بشری است وجود دارد. قدیمی ترین نمونه خورشید آریایی، در آثار هزاره پنجم و چهارم قبل از میلاد مسیح در شوش یافت شده است، و قدیمی ترین دستباف ایرانی، که این علامت در آن به کار رفته پارچه ای است از دوران اشکانیان. خورشید آریایی، تا قبل از هخامنشیان، بازوان خمیده و منحنی و شکلی تقریباً مدور داشته و بعدها خطوط و اضلاع آن مستقیم و هندسی و زاویه ها قائمه شده است. در دوره هخامنشی نخستین هنر بعد از تاریخ «اختراع خط» این منحنی ها به تکامل خود رسید و این نقوش در آثار سنگی و کتیبه ها و ابنیه با ظرافت و زیبایی و درخشندگی خود باز شناخته شد، که مهمترین و قدیمی ترین آن ها «نگاه های مشترک»، «خورشید آریایی» و گردونه خورشید و «نیلوفر ابی (لوتوس)» و «نخل بادزنی» (پالمت) است. این طرح ها را شاید بتوان مقدمه ای بر طرح ترنج در نظر گرفت. در آثار ایران قبل از اسلام، در قلعه کهنه کرمانشاه و ظرفی فلزی از دوره ساسانی و حتی پیش تر بر روی ظرف سفالی ساسانی یا بارتی و نقش برجسته مرد پارتی در پالمیر نیز چنین نقشهایی وجود دارند، و به نظر می رسد که نقش ترنج، از نقش های گیاهی در هم بافته که ریشه ای بسیار کهن دارد، گرفته شده باشد..

رسم ابتدایی ترنج در زمان حکومت سلجوقیان که پایتخت آنها اصفهان و کرمان بوده و در سال ۵۹۱-۴۲۹ ه. ق شروع شد و در زمان تیموریان، که سمرقند و هرات پایتخت بود رسم ترنج و نیم ترنج به طرح فرشها اضافه گردید، و نقش ترنج که با باورهای اعتقادی پیوند محکمی برقرار کرده بود، توانست خود را در دوره صفویه به اوج کمال خود برساند به اعتقاد برخی از محققین نقش مایه اصلی این نگاره در دوره اسلامی با الهام گرفتن از میوه ترنج بوده است. ترسیم نقش ترنج در حاشیه صفحات قرآن کریم یا در وسط سجاده ها و نیز در اماکن مقدّس، مانند مسجد شیخ لطف الله در اصفهان و مسجد قوام الدین در مصر و مساجد عثمانی از جمله مسجد سلطان احمد، نشان می‌دهد که احتمالاً ترنج در نزد مسلمانان جنبه مذهبی داشته است. حدود قرن سوم تا پنجم، ترنج در اغلب کشورهای اسلامی از طرح‌های اصلی تذهیب شد، و بر حاشیه صفحات قرآن، ترسیم ترنجی درشت و بیچ دربیچ با گلبرگ‌ها یا سرترنج‌های مفصل و بیرون زده از حاشیه رواج یافت. در ایران، از دوره تیموریان به بعد، نقش ترنج بر روی جلد کتاب‌ها به وفور ترسیم گردیده است. در این دوره، ترسیم ترنج با پیرامون کنگره دار در وسط جلد‌ها رواج یافت. بتدریج تزئین داخل ترنج پیچیده تر شد و تزئین لچک‌ها نیز، به پیروی از ترنج میانی، کنگره دار شد. در دوره صفوی و قاجار تذهیب کاران تصاویر متنوع و زیبایی از ترنج پدید آوردند که لبه اضلاع آن کنگره دار بود و در وسط جلد‌های روغنی نقش می‌شد. در این دوره، معمولاً نقش داخلی ترنج‌ها با نقش لچک‌ها یکسان بود و اغلب داخل آن‌ها با نقش گل و مرغ در متن طلایی تزئین می‌شد. اما فلسفه این طرح از کجاست و نماد چیست؟ همانطور که پیش‌تر اشاره شد نقش‌های اصیل همیشه دارای فلسفه و و معنایی بوده و هستند، و نقش ترنج هم دارای فلسفه بسیار جذابی است گفته شده است که ترنج، تصویر جامع و مانعی از حرکت و سیر انسان به سوی خداوند است. ترنج و شمسه کلیدی از نظام شکل یافته و هماهنگ در اسلیمی و اشکال هندسی هستند. این دو نما بیانگر دو کانون از روح انسانند. نمونه عینی و مصداق بارز حرکت درونی نقش ترنج را با کمی تأمل و تعمق می‌توان، در احکام اسلام عموماً «نماز و حج» دانست. حرکت ترنج، به تعبیری حرکت معنایی جمله (انا الله و انا الیه راجعون) است، که الگویی ذهنی و حسی است و حرکتی است، که به داخل محیط چرخش کرده و حرکتی درونگرا است. اینها همه تعابیر تمثیلی و احتمالی از این طرح کهن است. با اینکه سالها از اولین باری که این نقوش مورد استفاده قرار گرفته می‌گذرد، اما همچنان در بین ما ایرانیان استفاده می‌شود و همچنان جزء رایج‌ترین پارچه‌ها و نقش‌هایی که ما استفاده می‌کنیم هستند، و امروزه با کم رنگ شدن هرچه بیشتر مرزهای هنر ما شاهد استفاده از این نقوش توسط برندهای خارجی نیز هستیم. در واقع یکی از ترندهای تغییر پیدا نکرده برای ما ایرانیان استفاده از این نقش‌ها بوده است و امروزه برندهای مطرحی در کشورمان وجود دارند که عمده مانور و تمرکز آنان روی نقش‌های سنتی است. از جمله این برندها می‌توان به برند نغمه زائری، دثار و تن درست اشاره کرد.

FENDI



برند فندی



نیلوفر ماککی



وحیده شافعی

فندی یک پرچسب مد است که تقریباً مترادف لوکس بودن است. این برند ایتالیایی در سال ۱۹۱۸ در گوشه و کناره شهر روم تاسیس شد. به خاطر کیف های دستی جسورانه ای که با دقت و بی عیب و نقص ساخته شده معروف شد. داستان از اینجا شروع شد که ادل و ادواردو، بوتیک و یک کارگاه چرم فروشی کوچک تاسیس کردند و توانستند تجارت خود را به طور قابل توجهی گسترش دهند. در این میان با ازدواج ادل و ادواردفندی و بدنیامدن پنج دختر به نام های یائولا - انا - فرانکا - کارلا و الدا برند فندی شکل گرفت. آن ها همچنین با همکاری کارل لاگرفلد که طراح مد و لباس مشهوری بود، فعالیت خود را به طور چشمگیری رونق دادند و در سال ۱۹۲۵ خانه مد خود را در رم ایجاد کردند. برند فندی به علت تجمل گرایی که در طراحی خود داشت معروف شده بود و اولین فعالیتهای خود را با ساخت کالاهای چرمی و شروع کرد و به سرعت وارد تجارت خز شد. این کار از همان ابتدا یک تجارت خانوادگی بود و با همراهی دخترانشان که در آن زمان نوجوان شده بودند شروع شد. در این مسیر با شخصیت های زیادی شنا شد (از جمله کارل لاگرفلد) که تمامی این شخصیتها، سکوی پرشی برای این برند محسوب میشدند.

اولین دستاورد برند فندی

این برند ایتالیایی به یکی از مارکهای مورد هدف مدگرایان مشهور هالیوود تبدیل شد و با اولین فروش شروع به تولید کیف های دستی با جنسیت چرم رومی، کردند. این برند در سال ۱۹۴۶ پیشرفت چشمگیری داشت که این رشد توسط دختران ادل و ادواردو فندی آغاز شد.

کالکشن برند فندی ۲۰۲۱

استفاده از پارچه کتان و لینن گلدوزی شده از شاخصهای این کالکشن محسوب می شود ، همچنین شاهد استفاده کاربردی از گیپورهایی با رنگهای خیلی ملایم در طراحی هستیم که این پارچه های گلدوزی شده زیبایی را در عین سادگی به ارمغان میآورند . همچنین در اکسسوری های این کالکشن از رنگهای شاد و زنده استفاده شده که نمایانگر لطافت و زیبایی می باشند. استفاده از کیسه ساحلی کودک و سبد پیک نیک برای ساخت کیف های دستی مستطیل شکل نقطه عطف این کالکشن است. در لباس مردانه کت های گشاد ، شلوار روی زمین کشیده شده و دکمه های برجسته و در لباس های خانگی ، گشادی و راحتی همراه با نقوش به شکل سایه و ابروبادی مورد استفاده قرار گرفتند همچنین در پیراهن های زنانه استفاده از رنگهای خنثی در کنار رنگهای بنفش، صورتی، قرمز، لاجوردی و نارنجی مورد استفاده قرار گرفته است. شمایل کلی مدلها شبیه لحافهایی از جنس پر قو و همچنین جلیقه و کت های پنبه دوزی شده ای که روی شانها آویخته شده است.

پیام برند فندی در کالکشن ۲۰۲۱

در نهایت فندی در این کالکشن پیامی با محتوای ارزش مند بودن کانون گرم خانواده به نسل های متفاوت جامعه اعلام کرد.



#فشن دیزاینر



مود برد: ابزاری برای تازه کردن ذهن و کشف و خلق اثر هنری



دوربین عکاسی: وقتی ایده ات را که بلاخره به فعل تبدیل شده ثبت می کنی

هندزفری: وسیله ای برای تسخیر روح در هنگام خلق اثر

اسکیس: آن زمان که بی وقفه آنچه بر ذهنت است بر کاغذ می ریزی



رنگ و قلمو: رفیق به تصویر کشیدن و واضح کردن ایده های تو برای خودت و دیگران

چرخ خیاطی: رفیق شبهای تاصبح بیدار برای عملی کردن ایده های ذهنت...



کیف آرشیو: وسیله ای که ایده های تصویر شده تورا به بهترین شکل نگه میدارد اما تو را فرسوده می کند



گوشی: محل ذخیره ۵۰۰+ مقاله و جستجو در گوگل و پینترست

قهوه: اکسیر شب زنده داری های طولانی

و البته تماشای فیلم!



لپتاب: وسیله ای برای استفاده از نرم افزارهای فتوشاب، مارولوس، جیمینی...



کتاب: وسیله ای برای مصون ماندن از تباه شدن

زندگی نامه کوکو شنل



رویا ارجمند

coco chanel



متولد ۱۹ اوت ۱۸۸۳ در منطقه لوآر فرانسه بود. پدرش در بازار فروشندگی می کرد. او که قرار بود دنیای مد قرن ۲۰ را زیرورو کند، در محیطی به دنیا آمد که فاصله زیادی با تجمل داشت. به همراه چهار برادر و خواهرش بیشتر کودکی شان را در بازارهای غرب فرانسه در کنار پدر به کار کردن گذراندند. اما در سن دوازده سالگی همه چیز عوض شد. در زمستان ۱۸۹۵ مادر گابریل به طرز ناگهانی از دنیا رفت. بعد از فوت او، پدر گابریل، پسران را برای کار به مزرعه فرستاد و دختران را نیز به یتیم خانه سپرد. خودش هم به شهری دیگر رفت. گابریل دیگر هیچ وقت پدرش را ندید. یتیم خانه ای که او به آنجا برده شده بود، بزرگ ترین یتیم خانه منطقه بود و توسط راهبه هایی سخت گیر اداره می شد. گابریل که هنوز عزادار مادرش بود و پدرش هم او را ترک کرده بود، سالهای تاثیر پذیر نوجوانی اش را با قوانین سخت گیرانه آن موسسه می گذراند و فقط هنگام تعطیلات می توانست خاله هایش را ببیند. در یتیم خانه، به او یاد داده بودند که چگونه چطوری خیاطی کند، اما خاله اش به او آموخت که چگونه خلاقانه خیاطی کند و با اضافه کردن چین ها چطور یک کلاه ساده را تزئین کند. بعد از گذشت هفت سال، که حالا دیگر به سن ۱۸ سالگی رسیده بود، به او دو گزینه داده شد: یا راهبه شود یا یتیم خانه را ترک کند. گابریل که نوع و جنس آرزوهایش فرق داشت، یتیم خانه را ترک کرد، و به شهر دیگری رفت. در آنجا در مدرسه ای ثبت نام کرد. و از آنجایی که پولی برای پرداخت شهریه نداشت، به عنوان دانش آموز محروم پذیرفته شد. در سال ۱۹۰۳ شغلی به عنوان دوزنده یک خیاط خانه به او پیشنهاد شد. این شغل برای دختر جوانی با موقعیت گابریل، شغل مناسبی بود. اما او در دوزندگی آینده ای نمی دید. بعد از مدتی کار در خیاط خانه، گابریل توسط چند تن از مشتریان برای همراهی آنان، به سالن های رقص و آواز شهر دعوت شد. او توانست خیلی زود از بین تماشاچیان به روی صحنه راه پیدا کند. برنامه های او خیلی محدود بود، تنها دو آواز میخواند. نام مستعارش نیز یادگار همان دوران خوانندگی او است. برخی می گویند که این نام از یکی از آهنگ هایی که او می خواند گرفته شده است. اما خود شنل بر اساس مقاله منتشر شده در مجله آتلانتیک می گوید که نام کوکو مخفف کلمه (Cocotte) در زبان فرانسوی، به معنای معشوقه می باشد. گابریل خیاط، زیر نور صحنه می توانست آدم دیگری به نام کوکو شنل شود. پس از مدتی گابریل با فردی به نام اتین بالسان آشنا شد، گابریل، بالسان را کلید رهایی از فقر می دانست. حالا دیگر وقتش را به یادگیری و تعلیم اسب های بالسان می گذراند و بعد از مدتی او به سوار کار ماهری تبدیل شد.

COCO chanel

کوکو موفقیت زیادی کسب کرد. اما برای او کلاه تازه شروع کار بود. کمی بعد کوکو شهر دوویل را برای قدم بعدی اش انتخاب کرد. شهری که، پاتوق مد روز برای تعطیلات بود. شهری مورد علاقه خانواده های سلطنتی و ثروتمندان و افراد مشهور یعنی دقیقا همان افرادی که کوکو به دنبالشان بود. در سال ۱۹۱۳ با کمک مالی کیل فروشگاه جدید شنل باز شد. اما این بار فروشگاه کوکو دیگر یک کلاه فروشی نبود، بلکه اولین بوتیک لباس های او بود. لباس هایی که بدون چین و دنباله، ولی در عوض ساده و شیک بودند، و مهم تر از همه کاربردی و قابل استفاده. تا آن زمان هیچ کس چنین چیزی را ندیده بود، به همین خاطر این مجموعه لباس، موفقیت زیادی کسب کرد و شهرت کوکو تضمین شد. در تابستان ۱۹۱۴ دنیا عوض شد. اروپا وارد جنگ ویرانگری شد. سختی و کمبود همه گیر شده بود، دیگر دوره مد و لباس نبود. اما با این وجود، جنگ در میان فلاکت و ناامیدی هایش برای کوکو موقعیتی خوب به ارمغان آورد. در این دوران که مردها به جنگ می رفتند زنان به ناچار نقش آنان را در برخی از کارها ایفا میکردند. اما لباسهای سنتی آنها نه تنها کاربردی نبود بلکه پوشیدن آنها در کارخانه جات و کنار ماشین آلات خطرناک هم بود. بنابراین کوکو از این فرصت استفاده کرد و خلق طرح های جدید برای دوران جنگ را آغاز کرد. کوکو تصمیم گرفت ضرورت را به مد تبدیل کند. و موفقیت بزرگش از راه رسید. درحالیکه اطراف کوکو همه چیز تحت فشار جنگ بود و در حال فروپاشی، کوکو آماده بود که امپراطوری اش را وسعت بخشد. در سال ۱۹۱۵ بوتیک شنل دیگری را در بیاریتز افتتاح کرد. اما چندی بعد برای انتقال بوتیک پاریس اش به آدرسی شیک تر و بزرگتر اقدام کرد. او دیگر درها را به روی خود باز می دید. ثروتمندان و افراد مشهور و خانواده های سلطنتی همه می خواستند به تصویر شیک و باب روز کوکو شناخته شوند.

گابریل به واسطه آشنایی با بالسان با برخی از ثروتمندترین مردم فرانسه معاشرت می کرد. اعتماد به نفس او روز به روز بیشتر می شد. در تابستان ۱۹۰۹، در سن ۲۶ سالگی کوکو در مسابقات اسب سواری حضور پیدا کرد و از آنجایی که لباسی به تن کرده بود که به هیچ وجه زنانه نبود، سر و صدای زیادی به پا کرد. آن روز، کوکو کراوات و کت پوشیده بود، لباس او راحت و ورزشی بود و مسلما نمایشگر نوعی لباس مردانه بود. او کلاهی را هم که خودش درست کرده بود را به سر گذاشته بود. زنان حاضر در آنجا بی پروایی کوکو را باور نمی کردند اما چاره ای جز تحسین او را هم نداشتند. در دهه ۱۹۰۰ لباس زنان پر از زرق و برق و بدون آزادی بود. لباس هایی که طراحی می شد زنان را وادار می کرد که موجوداتی تزئیناتی و شکنده باشند. دامن های بلند و موج دار، لباس های تنگ و نفس گیر، که حتی راحت ترین کارها را هم بسیار مشکل می ساخت. اما از نظر کوکو این بسیار مسخره بود. اعتماد به نفس و عمل گرایی او اجازه نمی داد که اسیر زمانه اش باشد. بالسان از نوآوری های کوکو در مد استقبال می کرد. به همین خاطر فضایی را برای طراحی و درست کردن کلاه، در اختیار کوکو قرار داد. اما کوکو فقط دنبال سرگرمی نبود. او می خواست که حرفه و تجارتي برای خود داشته باشد. اما به عنوان زنی که پولی در بساط نداشت، او هیچ گاه قادر نبود تجارتي برای خود راه بیندازد. کوکو پس از مدتی با فردی به نام کیل آشنا شد. کسی که اشتیاق کوکو را برای کسی شدن می فهمید و قصد داشت به او کمک کند تا به خواسته اش برسد. چندی بعد کوکو به پاریس مهاجرت کرد. و در کمتر از یک سال، کیل و بالسان اولین شرکت تجاری کوکو که فروشگاه کلاه بود را به راه انداختند. کلاه فروشی کوکو سر و صدای زیادی به راه انداخت. زیرا که کارهای او بسیار متفاوت بودند. کوکو که به سادگی و مدرن بودن علاقه داشت در کارهایش به زنان اجازه می داد که در عین سادگی شیک باشند. فروشگاه کلاه

مد بعد از جنگ بود، و از آنچه می دید بیزار بود. در سال ۱۹۴۷ کریستین دیور، مد جدیدی را معرفی کرد. کمر های تنگ، لباس های بلند تر و دامن های گشاد با چندین متر پارچه. کوکو طراحی های دیور را نقطه مقابل تمام تلاشهایی می دید که برای زنان انجام داده بود. کوکو عقیده داشت به زودی لباس های زنان تغییر خواهد کرد و به لباس های کاربردی تر بر می گردند. بنابراین این فکر به سرش زد که دنیای مد به او نیاز دارد. کوکو خودش را برای مجموعه ای که مهم ترین مجموعه زندگی اش بود، آماده کرد. و در ۷۳ سالگی به دنیای مد بازگشت. و اولین مجموعه لباس های بعد جنگش را به نمایش گذاشت. کوکو به شکلی خستگی ناپذیر کار می کرد. تک تک لباس ها را چندین بار واری می کرد. برای کوکو این مجموعه همه چیز بود. بازگشت او یا پیروزمندانه بود یا حقارت وار. مطبوعات فرانسه از او انتقاد می کردند، آنها کوکو را به خاطر همدستی های دوران جنگش نبخشیده بودند. رسانه های بریتانیا آن را فاجعه خواندند و می گفتند، به سبک قدیمی چیزی اضافه نشده است. اما این بار رستگاری از کشوری دیگر به سراغش آمده بود. آمریکایی ها به شدت دنبال لباس های کاربردی و فاخر کوکو بودند. کوکو هم آماده بود که آن ها را برایشان فراهم کند. در اواخر دهه ۱۹۶۰ مزون شنل دیگر غولی شده بود، که بیش از ۱۰۰ میلیون پوند ارزش داشت و دوشیزه گرانقدر کوکو هم در کرسی مدیریتش قرار داشت. کوکو برای دومین بار در یک قرن توانسته بود ثروت زیادی به دست آورد. او حالا دیگر موفق تر و ثروتمند تر از همیشه بود. اما با تمام موفقیت ها و زیر ظاهر بی نقص اش به شدت شکننده و تنها تر از همیشه بود. او هیچ گاه ازدواج نکرد. حالا دیگر برای خواب شبانه اش به مورفین و قرص های خواب آور وابسته بود. در سال ۱۹۷۱ در ۱۰ ژانویه، در سن ۸۸ سالگی در حالی که همچنان کار می کرد، در آپارتمانش در هتل Ritz در حال تزریق آخرین آمپول مورفین زندگی اش، در گذشت.

در سال ۱۹۱۹ کوکو برای نشان دادن مقاصدش در هتلی مجلل به نام Ritz که یکی از شیک ترین هتل های دنیا بود، آپارتمانی خریداری کرد. در سال ۱۹۲۳ کوکو در حرکتی شجاعانه عطری را وارد بازار کرد. این عطر که به خاطر عدد شانسی او یعنی ۵، شنل شماره ۵ نام گرفته بود گران قیمت ترین عطر دنیا شد. در ۱۹۲۶ او پیراهن مشکی را که امضای شنل بود را به دنیا معرفی کرد. کوکو همچنین اولین زنی بود که شلوارهای شیک مد روز را به پای زنان کرد. او بارها در دهه های ۲۰ و ۳۰ با سنت مبارزه کرد و شکل لباس پوشیدن زنان را تغییر داد. او هیچ گاه تا این حد اعتبار نیافته بود. اما خیلی زود رشته ای از وقایع موقعیت او را به خطر انداخت. در سال ۱۹۴۰ با حمله نازی ها، کوکو کارمندانش را بیرون کرد و مزون شنل را بست. و تنها یک فروشگاه عطر باز ماند. کوکو به ناچار مانند بقیه مردم، شهر را ترک کرد. اما او تصور می کرد مزون شنل که توانسته بود جنگ جهانی اول را با موفقیت پشت سر بگذراند این بار هم می تواند این کار را بکند. پس در اوت ۱۹۴۰ تصمیم خود را برای بازگشت به پاریس و هتل Ritz گرفت. در ۲۵ اوت ۱۹۴۴ پاریس آزاد شد. در همان سال کوکو جاسوس نازی ها شناخته شد. کسی که خود را از یتیم خانه به ثروت و قدرت عظیم رسانده بود، کسی که دست تنها، دنیای مد را زیر و رو کرده بود، قرار بود مامورو جاسوس نازی ها اعلام شود. اما تنها چند ساعت بعد از دستگیری او، حکم آزادی اش صادر شد و کوکو از تحقیر و گردانده شدن جلوی مردم نجات یافت. اما شهرت او دیگر بیش از حد آسیب دیده بود و قابل بازگشت نبود. حالا دیگر پاریس برای کوکو نا امن شده بود، به همین خاطر از Ritz پاریس به سوئیس مهاجرت کرد. رویا های او دیگر به سر آمده بودند. دو چیز که خیلی برای او مهم بود یعنی، شهرت و تجارت، را دیگر از دست داده بود. او دیگر دست از طراحی لباس برداشت و با ثروتی که از راه فروش عطر کسب کرده بود، در آسایش زندگی کرد. کوکو آرام و از دور شاهد تغییرات دنیای

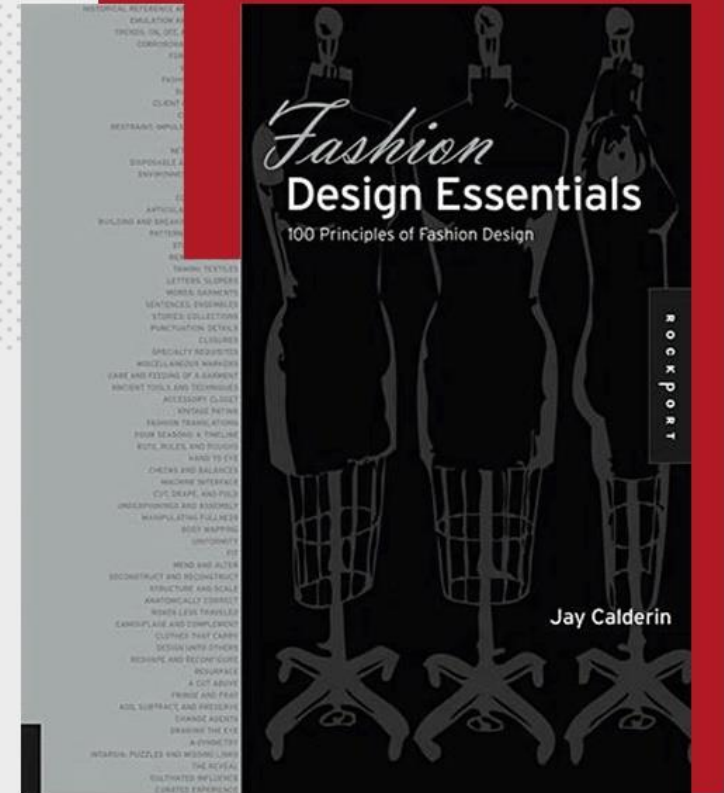


مروری بر یک پایان نامه



نرجس رضائیان

طراحی مد هنر استفاده از طراحی، زیبایی شناسی یا زیبایی طبیعی برای خلق پوشاک و زیورآلات است، طراحی مد متأثر از نگرشهای اجتماعی، فرهنگ ها و جوامع مختلف بوده و به اندازه همین تفاوت ها دارای تنوع بالا است. طراحان مد تلاش می کنند تا لباسی که طراحی می کنند تابعی از زیبایی و دل انگیزی باشد، آن ها باید در نظر داشته باشند که هر نوع لباسی چه مخاطبی دارد و همچنین در چه موقعیتی پوشیده می شود. آن ها برای انجام این مهم محدوده ای وسیع از مواد و ترکیبات آن و همچنین طیف گسترده ای از رنگ ها، الگوها و سبک ها را در اختیار دارند. با وجود اینکه لباس های روز و معمولی بیشترین میزان لباسهای مصرفی را تشکیل می دهند و در محدوده سبک های قراردادی متداول و مرسوم قرار دارند، لباس های رسمی و لباس های شب که برای مراسم خاص و مهمانی ها استفاده می شوند، نیز مطلوب هستند و مخاطبان خاص خود را دارند. ایده های خلاقانه، با تجربه و تخصص توسعه می یابند «ملزومات طراحی مد» چالشی برای طراحان مد ارائه می دهد که در کتاب آن به گسترش افق دید شما، تقویت مهارت های شما و آزمایش با استراتژی ها، توجه دارد. این کتاب با جزئیات الهام بخش طراحی مد از سرتاسر دنیا تکمیل شده است. یک گزیننده از نقطه های آغازین برای طراحان مد در هر سطح را تامین می کند. همچنین طیف وسیعی از نمونه های کاربردی برای هر گام از فرآیند طراحی را پوشش می دهد. تمام ۱۴۴ بینش موجود در کتاب به زیبایی با طرح های مد دنیای واقعی شرح داده شده است. تنوع موضوعات این کتاب، روش های جدیدی برای شروع سریع و تمرکز دوباره شما فراهم می کند یکی از مسائل که می خواهیم به آن بپردازیم تفکر در پرورش خلاقیت است که به مواردی از آن اشاره می کنیم.



۲- از مزایای سرگرمی که آنها را ایجاد میکنند بالاتر نمی روند.

۳- طراحان با هر انتخابی هویت ایجاد می کنند.

۶. سبک حس کردن / بینایی لامسه شنوایی و صدا چشمایی

۷. سازگاری با مشتری / طراحان مانند هنرمندان اغلب با الهام گرفتن از اندیشه های خود به طرحی رو می آورند. ایوسن لوران چندین منبع برجسته از ایده ی خلاقانه در اختیار داشت مد سابق و نماد مد (بتی کاترو) طراح (لولو دو لا فلز) و مشاور کاترین دنو که او نیز برای فیلم های زیبای روش تا گرسنگی لباس پوشیده بود. کسی که لباس های طراحی شده شما را در کمند خود قرار می دهد می تواند تاثیر شگرفی بر یک طراح آمریکایی داشته باشد. بانوی اول ایالات متحده میشل اوباما موجب درخشش بسیاری از طراحان با استعداد مثل ایزابل تولدو و جیسون وو شد تولدو از سال ۱۹۸۵ به طراحی پرداخته اما این لباس اسمی بسیار معروف بود که برای خانم اوباما طراحی کرده بود در پایان رز جیسون وو یک فرد نسبتاً تازه وارد که اولین مجموعه طراحی خود را در سال ۲۰۰۶ منتشر کرد. همین تحول را هنگامی تجربه کرد که میشل اوباما پیراهن سفیدی را که او طراحی کرده بود به تن کرد. رابطه بین مشتری و طراح است که هر دو طرف از یکدیگر یاد گرفته و از آن سود می برند.

این ها تنها گوشه ای از صد اصل در طراحی لباس است. برای دریافت متن کامل پایان نامه حاضر به اینستاگرام انجمن مراجعه کنید.

۱. مرجع تاریخی و تکریم / سه نقطه اتکای اصلی در دنیایی مد که بارها بازسازی می شود.

۲. تقلید و نوآوری / سبک های تقلیدی از گذشته اغلب در طراحی مد راه طولانی را طی می کند و در نهایت همه چیز به حالت اولیه باز می گردد.

۳. گرایش داخل و خارج نزدیک / اگر چه گرایش ها دیگر تحمیل نمی شود اما خانه های طراحی زمان و پول زیادی را صرف پیش بینی روند مد میکند و یا آن را در جریان می اندازند طراحانی که در بازار می خواهد جایگاه خودشان را پیدا کنند باید آگاهانه تصمیم بگیرد.

۴. جامع های مکمل / تاریخ مد بهترین چیز در یک ماشین زمان برای طراح مد است. تم اس با محصولات دست ساخته معتبر، ماهیت واقعی یک زمان را به کانون توجه تبدیل می کند همچون محصولات دست ساخته لباس واقعی و ابزار های خیاطی یا تصاویر عکس ها و کلیپ ها، برای مثال دهه ۱۹۵۰ می تواند منبعی برای موج هایی باشد که توسط جنگ سرد فرهنگ نوجوان کرست راک اند رول نوعی موسیقی یا برنامه تلویزیونی معروف مانند من لوسی را دوست دارم این مورد را نشان می دهد.

۵. فراموش کردن هویت / "هویت نمی تواند او را پزمرده کند" این سخنان شکسپیر قدرت ماندگاری بتسی جانسون در صنعت مد را توصیف می کند برند های بزرگ یک عامل مشترک دارند آنان پیام

۱- محصولات و خدماتی را ارائه می دهند که تکامل می یابند.

Design Essentials

100 Principles of Fashion Design

Jay Calderin

بررسی استایل مینیمال



فاطمه کرمانی

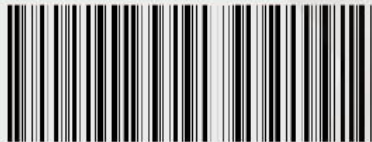


مریم توسلیان

معنی کلی استایل سبک و مدل است و فقط هم به دنیای مد و فشن محدود نمی شود. استایل یا سبک: بیان و ابراز استایل، ترکیبی از نوع لباس پوشیدن، حرف زدن، حرکتهای بدن یا هر چیز دیگری است. در واقع همه ی روش هایی که ما درون خود را به صورت بیرونی نشان میدهیم. این شامل افکار، احساسات، علایق و ارزش ها نیز است. هر چیزی که نمود بیرونی دارد بازتاب دهنده درون ماست.

استایل مینیمال :

اولین بار کوکو شنل این سبک را در طراحی هایش استفاده کرد و بعد از آن دیگر برند ها هم به آن روی آوردند. در استایل مینیمال ، ساده بودن و اندازه بودن لباس خیلی مهم است. لباس ها به هیچ عنوان نباید تنگ یا گشاد باشند. یکدست بودن رنگ ها وعدم وجود طرح و بافت خاص روی آنها ، از دیگر ویژگی های این سبک است. پالت رنگی در این استایل ، محدود است و رنگ های جیغ و شاد در آن جایی ندارد. رنگ های گرم ، شیری ، سفید ، مشکی ، خاکستری ، و طیف رنگ های خنثی ، مهم ترین رنگ ها در سبک مینیمال هستند. در این استایل آیتم های اضافی حذف شده اند و لباس ، مدل خاصی ندارد، اما از کیفیت بالای دوخت و متریال برخوردار است. مینیمال ها برای لباس های رسمی ، به جای استفاده از تزیینات برجسته، از لباس هایی با برش های خاص و دوخت ویژه استفاده میکنند. تی شرت ، یقه اسکی ، شلوار جین ایبی یا مشکی ، کت وبارانی از پر کاربرد ترین آیتم ها در استایل مینیمال هستند. قشنگ ترین ویژگی مینیمالیسم ، از بین بردن کلیشه های جنسیتی در انتخاب لباس هاست. در این سبک ، زنانه یا مردانه بودن لباس چندان اهمیت خاصی ندارد. داشتن استایل مینیمال ، کاملاً مقرون به صرفه و اقتصادی است. به دلیل آنکه تمام آیتم های مورد نظر آن ، در قیمت های مختلف و در برندهای مختلف موجود است. فشن مینیمال را گاهی به فشن کلاسیک نسبت می دهند ، که بخشی از یک حرکت هنری در اواخر دهه ۱۹۵۰ میلادی بوده. استایل مینیمال ، به معنای خیلی دقیق، یعنی پرهیز از استفاده از هر چیز غیر معمول و افراطی و بیهوده در استایل. در دنیای فشن، این به معنی عدم استفاده از چین ها، روبان ، چاپ ها (تصاویر روی لباس) ، قوس ها و غیره است. اوج محبوبیت این سبک به دهه ۵۰ و ۶۰ میلادی باز می گردد ، اگر چه بعد از دهه ۶۰ و تا اواخر دهه هشتاد این سبک رو به افول گذاشته و محبوبیت قبل را نداشت. مینیمالیسم همچنین یک گرایش است. مردان و زنان اسکاندیناویایی به داشتن فرهنگ و سبک مینیمالیسم در جهان بسیار شناخته شده هستند. همچنین ژاپنی ها در به کار بردن این سبک در جنبه های مختلف مشهور شده اند. زمانی که از فشن مینیمالیسم حرف میزنیم ، اولین رنگهایی که در این سبک مطرح می شود ؛ مشکی ، سفید ، بژ و آبی نفتی است . رنگ های رایج : گرم ، شیری ، سفید ، خاکستری ، طوسی ، مشکی و در کل تنالیتنه هایی از این قبیل رنگ های خنثی مطرح هستند. در جواهرات و اکسسوری ها کار های ساده و کم زرق و برق مورد استقبال جواهرات رز گلد ، نقره ای و طلایی استفاده می شوند.



MINIMAL STYLE

ترکیب سیاه و سفید در استایل مینیمالیسم ترکیب سیاه و سفید ، ساده و کلاسیک است که هرگز در ساخت این استایل جایگاهش را از دست نمی دهد. این تضاد بالای رنگ ها استایل بسیار راحتی است که به هیچ عنوان شما را در انتخاب ست رنگ اکسسوری با لباستان نگران نمی کند. از جمله سلبریتی های مشهوری که از این ترند استایل بسیار استفاده می کنند، می توان از ویکتوریا بکهام نام برد.

استایل خنثی

استایل خنثی با کسل کننده تفاوت دارد. این سبک لباس ها اساس و پایه کمدهای لباستان هستند. با این ظاهر شما می توانید به راحتی هر چیزی را با آن ست کنید ، و هر چه بیشتر و بیشتر این لباس ها را بپوشید، دیگران متوجه آن نخواهند شد. برای مثال تیلور هیل و مگان مارکل از سلبریتی های معروفی هستند که از این سبک رنگی در استایل مینیمال، بسیار بهره می برند.

تمام مشکی

رنگ مشکی ، مناسب ترین رنگی است که می توانید همیشه و در هر شرایطی بپوشید. استایل تمام مشکی برای هر تیپ بدنی متناسب دیده می شود. زمانی که جین مشکی یا ساپورت مشکی را با کفش پاشنه بلند می پوشید، شما را بلند تر به نظر رسانده و پاهایتان را لاغر تر و باوقار تر جلوه می دهد. اکثر سلبریتی ها از ویکتوریا بکهام گرفته تا کارداشیان ها همواره به این استایل علاقه مند هستند.

تمام سفید

ظاهر تمام سفید یک ظاهر بسیار تأثیر گذار را به مخاطب القا می کند. برای مراسم ازدواج دوستان نزدیک و صمیمی و به خصوص در تابستان این استایل تمام سفید بسیار ایده آل خواهد بود. قطعاً هیچ رنگی با طراوت تر و نو تر از سفید نیست.

رنگ ناهمسان

اگر شما از آن دسته افرادی هستید که به پوشش یکدست و یکرنگ علاقه مندید اما حس می کنید که کمبودی حس می شود، چرا یک رنگ ناهمسان را به استایلتان اضافه نمی کنید؟ رنگهایی مانند قرمز ، سبز و رنگهای نئونی. جسیکا آلبا از جمله ستارگانی است که این سبک را بسیار مورد استفاده قرار میدهد.

minimal style



فاطمه مرادیان

ترندهای بهار و تابستان ۲۰۲۱

در ابتدا بررسی اجمالی در مورد چند فشن شو تأثیر گذار بر ترندها و در ادامه به چند ترند میپردازیم کارل لاگر فلد استفاده از پوست حیوانات عجیب و غریب را بخاطر «[covid_19](#) کرونا ممنوع کرد این تصمیم به دنبال اعلام کارل لاگرفلد در سال گذشته مبنی بر ممنوعیت استفاده از خز است. به دلیل کرونا بسیاری از برندهای آمریکایی از هفته مدل نیویورک انصراف دادند. جدیدترین کارهای طراحان لباس هفته مد، بیشتر به صورت آنلاین و بعضی به صورت اجزای فیزیکی و برخی به صورت کاتولوگ ارائه شد.

تام فورد

طرز تفکر خود در مجموعه بهار ۲۰۲۱ اینگونه بود که به نظر می‌رسید مد یک اسراف است، کالکشن خود را از تصویرگر مد آنتونیولویز الهام گرفت. لباس های ماکسی، طرح های پلنگی و رنگ های جیغ از مدل های او بود.

جیسون وو

یکی از معدودترین طراحانی که نمایش خود را به صورت حضوری ارائه داد با تم گیاهان گرمسیری و ساحلی و استفاده از رنگ های نارنجی، زرد، آبی و سبز نشان داد.

کریستین سریانو

مجموعه خود را در حیاط خانه اش در کانتکت به نمایش گذاشت، استفاده از لباس هایی با سرشانه پهن به خصوص کت های با سرشانه مربع شکل، یکنواختی رنگ با تن های خنثی (بیشتر سفید مشکی، آبی) کت و شلوار های تهیه شده از جنس نخ، کشمیر، کتان، پارچه کتان راه راه به وضوح دیده شد.

ترندهای ۲۰۲۱

بزرگترین تغییر در ترندهای ۲۰۲۱ این بود که برای اولین بار پس از سالهای بسیار، لباس های طراحی شده، کاملاً قابل پوشیدن بودند، لباس های عجیب و غریب سالهای گذشته امسال جای خود را به لباس های معقول تر و واقع گرایانه تر داده بودند. در بهار، بافت های ریک اونز، ماگوگو دیده می‌شد و کار های سنتی، کنت ایز، لیووه از جانانان اندرسون نیز حال بهتری نسبت به فصول قبل داشت همچنین گرمکن ها، تونیک های بلند و شلوار های بادکنکی پرادا، فندی و لویس فیتون بسیار خوش استایل و با ظرافت بود.



شلوار های مدل پاور

نیاز به شلوار راحتی که تنگی آن باعث محدود کردن حرکات نشود. مانند شلوار های راحتی استلا مک کارتنی انتخاب بسیار عالی برای روزهای کم تحرک و حتی پرتحرک شما در منزل میباشد.

گرم کن های خوش استایل

در یکی از افتتاحیه های مهم هفته مد بهار ۲۰۲۱، پرادا و رف سیمونز در رابطه با تولید نوع جدیدی از یونیفرم صحبت کردند. لباس گرم کن مشترک آن ها که ترکیبی از دامن کامل پرادا و تمایلات طراحی های گرافیکی سیمونز بر روی لباس ها است، استایل مناسب و جالب شلخته ای را می سازد. بالنچیاچا، رودارته و استرادا نیز طرح های جالب توجهی ارائه کردند.

لباس های روز مره

لباس های فانتزی باردیگر با ظاهری رویایی و اما کاربردی بازگشت. برای کسانی که به لباس گرم کن علاقه ای ندارند، لباس جذب که کل بدن را می پوشاند طراحی شد.

تونیک موقر

تونیک پارچه ای راحتی بسیار با وقاری به شما می دهد. برندهای فنیدی، جیل یندر، تام برون، از جمله برند هایی بودند که بر روی تونیک به این سبک کار کردند. به علاوه ست، مارینا ماسکون نیز جایگزین لباس یک تکه شد.

لباس ظریف و روز مره

این لباس های ظریف با آستین های پف دار، یادآور دهه ۴۰ میلادی است. لباس های زنانه رودارته، کوچ، والکساندرا ریچ در هفته مد، همینطور طرح های خلاقانه تری از بتشیوا (ملکه فراک های عجیب و غریب) از دیگر لباس های مناسب برای منزل می باشند.

از دیگر ترندهای این فصل بهار و تابستان ۲۰۲۱ می توان به:

۱. ماسک سیاه ۲. شال و روسری های پترن دار ۳. استفاده از رنگ های تابستانی ۴. کیف زرد رنگ ۵. طرح های ماتویی پترن دار سنتی ۶. ترکیب رنگ زرد و شتری ۷. لوازم جانبی کیف با ریشه های آبی و... اشاره کرد.



روی موج کرونا

مسابقه



مغری ابراهیمی



فراخوان

اولین دوره مسابقات آثار برتر کلاس های مجازی روی موج کرونا
در هفت بخش و دو مقطع کاردانی و کارشناسی برگزار میشود.

پروژه های پایان ترم مقطع کاردانی:
مبانی رنگ در طراحی لباس
کاربرد نرم افزار های تخصصی این رشته
تزیینات لباس (اکسسوار، سوزندوزی، چاپ...)
انواع طراحی لباس
مولاد و الگوهای حجمی
لباس کودک

داوری مسابقه در دو مرحله توسط اساتید و دانشجویان انتخاب میشود و از افراد برتر تقدیر و آثار آن ها در پیج انجمن به نمایش گذاشته میشود. اثر به لینک زیر ارسال شود.

<https://t.me/joinchat/K2lJzBUSNV3lUcOqd13ojg>

انجمن علمی طراحی پوشاک

مهلت ارسال آثار: ۶ شهریور ۹۹



اولین دوره مسابقات آثار برتر کلاس های مجازی روی موج کرونا، در هفت بخش و در دو مقطع کاردانی و کارشناسی برگزار شد. هدف از برگزاری این مسابقه به نمایش گذاشتن تلاش و هئردانشجویان در طی دوران پاندمی ویروس کرونا و ایجاد انگیزه برای تلاش بیشتر دانشجویان بود. انتخاب و داوری اثر برتر در دو مرحله توسط استاد مشاور انجمن سرکار خانم آخوندی و توسط دانشجویان صورت گرفت؛ و در پایان به دانشجویان برتر لوح تقدیر اهدا شد. دومین دوره این مسابقه به زودی برگزار می گردد و از همه دانشجویان خواهشمندیم در این مسابقه شرکت کنند و بدین گونه کارهای خود را به نمایش گذاشته و باهم رقابت کنند.

منابع:

www.blog.eskano.Com

www.iranpooshak.com

www.chibepoosham.com

www.modeworld.ir

www.hamechiinjast.com

www.Thethrandspotter.net

www.tanama.ir

www.article.Tebyan.net

www.nehtarinha.ir

www.biography.com

www.tip_tik.com

www.pouyaandish.com

www.vogue.com

www.zhaviz.com

www.robinava.com

پاره ای از سایت های دیگر

مقاله بته جقه (اصالت ایرانی در طراحی گرافیک) - طاهره عطفروش
تبیین جایگاه نقش ترنج در هنر اسلامی با تکیه برقالی، جلد قرآن و جلد شاهنامه های دوره صفوی -
اشرف السادات موسوی لر - زهرا مسعودی امین - الهه مروج
بته جقه، نگاره ای باستانی؛ معصومه باقری حسن کیاده

پادکست هیتا (heeta-design)

nilootorabande
raz. Mode

coco before chanel

کانال تلگرامی:

پیج اینستاگرامی:

با نگاهی به فیلم:

برای ارتباط با ما:

tarahi_dokht_alzahra

tarahi_poshak

صفحه تلگرام:

صفحه اینستاگرام:

